

آثار و نتایج شتابزدگی در مسئولیت‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات

عبدالرحمان علیزاده^۱

چکیده

اگر انسان‌ها در مسئولیت‌های اجتماعی، صبر و حوصله لازم برای رسیدن به اهداف دراز مدت نداشته باشند، کارها را بدون لذت و کیفیت کمتری انجام می‌دهند. تمام تلاش افراد عجلول بر این است که سعی می‌کنند در عصر خود نتایج کار خود را مشاهده کنند که همین موجب بی‌انگیزگی در افراد و خسارات جبران‌ناپذیر و فراوانی می‌شود؛ بر این اساس، بررسی و شناخت تأثیر عجله در مسئولیت‌های اجتماعی از جوانب مختلف، نقش بسیار مهمی دارد. مقاله حاضر به «تأثیرات عجله یا شتابزدگی در مسئولیت‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم و روایات» پرداخته است. عجله در اصطلاح نوعی شتاب بخشیدن به کارها و تلاش‌هاست تا در واحد زمانی کوچک‌تر به نتایج و آثار بیشتری دست پیدا کنیم. عجله گاهی از صفات نکوهیده و گاهی از صفات پسندیده به شمار می‌آید. عجله نکوهیده به عنوان یک اخلاق ناپسند در رفتار انسان به صورت‌های گوناگون آشکار می‌شود که نتیجه آن، چیزی جز شکست، ناامیدی و پشیمانی نخواهد بود. در حقیقت، عجله یا شتابزدگی تأثیرات منفی و مثبت بسیاری در زندگی انسان‌ها به دنبال دارد. از جمله پیامدهای زیانبار عجله مذموم، محرومیت از برکت علم، ندامت و پشیمانی، فزونی خطاها و لغزش‌ها، افتادن در فتنه، زوال نعمت‌ها،... است و تأثیرات عجله پسندیده نیز عبارت‌اند از: نجات بی‌گناهان، جلب رضایت خداوند، کسب مغفرت، ورود به بهشت و عدم انحراف فرزندان....

کلیدواژه‌ها: تأثیر، عجله، مسئولیت‌های اجتماعی، قرآن کریم.

(۱). دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی.



۱. مقدمه

تأثیر عجله در زندگی، وضع انسان را از حد متعارف و عادی خارج کرده و سبب می شود که فرد نتواند بر خود حاکم و مسلط باشد؛ زیرا کسی که گرفتار شتاب و عجله می شود، دیگر نمی تواند با فرهنگ حکیمانه همزمان و همدل گردد. عجله در کارها برای به دست آوردن منافع بیشتر و زود هنگام است. عجله، تأثیرات بسیاری در زندگی انسان ها برجای می گذارد. با توجه به اینکه عجله گاهی در کارهای شر و گاهی در کارهای خیر است، به طور طبیعی، آثار آن هم در زندگی متفاوت خواهد بود؛ به این معنا که اگر عجله در کارهای شر باشد، آثار زیانباری دارد و اگر در کارهای خیر باشد، آثار مفید و سودمندی به دنبال خواهد داشت.

۲. مفهوم شناسی عجله

دیدگاه لغت شناسان درباره واژه «عجله» در قرآن کریم تقریباً یکسان است. راغب اصفهانی در تبیین واژه عجله گوید: «هر چیزی را که آدمی پیش از وقت و فصل خودش طلب کند، بر آن (عجله) صدق می کند و ریشه این صفت نکوهیده در قوه شهویه انسانی است. از این رو، اغلب مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است.» (راغب اصفهانی، ۱۳۱۲ق: ۵۴۹) برای عجله در اصطلاح، نیز معانی متعددی ذکر شده است. مرحوم نراقی گوید: «عجله معنای ثابت و دایمی است در دل که باعث می شود انسان به هر کاری که به خاطرش خطور کند، بی درنگ اقدام کند؛ بدون آنکه اطراف آن را ملاحظه نماید و در عاقبت آن تأمل کند.» (نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۷: ۱۱۵).

قرآن کریم و روایات، در موارد گوناگون، گاهی از عجله کردن در مسئولیت های اجتماعی نهی کرده و آن را از صفات مذموم برشمرده اند. در مواردی نیز به عجله کردن در مسئولیت های اجتماعی تشویق نموده و آن را در شمار صفات پسندیده آورده اند. پس چنین به دست می آید که عجله به دو نوع تقسیم می شود: عجله های مذموم و ناپسند و عجله های ممدوح و پسندیده. عجله مذموم به عنوان یک اخلاق ناپسند است که در رفتار انسان به صورت های گوناگون آشکار می شود؛ به این معنا که انسان پیش از فراهم شدن مقدمات، اقدام به انجام کار کند؛

امری که اغلب، نتیجه آن چیزی جز شکست نخواهد بود. در قرآن کریم نمونه های بسیاری از عجله های مذموم مطرح شده است که در اینجا به عمده ترین آنها اشاره می کنیم: عجله در پذیرش خبر بدون تحقیق (حجرات/۶)؛ عجله در استجاب دعا (بقره/۲۱۶)؛ عجله در انتقاد (کهف/۷۷-۷۴-۷۱)؛ عجله در تلاوت قرآن کریم (طه/۱۱۴)؛ عجله در قضاوت و داوری (نساء/۱۰۶-۱۰۵)؛ عجله برای کارهای زشت (هود/۷۸)؛ عجله برای درخواست هلاکت قوم (قلم/۴۸)؛ عجله در فراخواندن پیامبر (ص) از بیرون خانه (حجرات/۵-۴)؛ عجله در کیفر و انتقام (انعام/۵۷)؛ عجله به سوی کفر (مائده/۴۱)؛ عجله در گناه، تجاوز و حرام خوری (مائده/۶۲).

«عجله پسندیده عبارت است از اینکه انسان پس از فراهم شدن مقدمات و شرایط لازم در کارهای پسندیده، فرصت را از دست ندهد و به انجام کار بپردازد. یکی از نقاط مهم که انسان باید از آن به طور کامل بهره برداری کند، فرصت ها و امکاناتی است که در اختیار او قرار می گیرد. برای هر کس در زندگی فرصت ها و موقعیت های زود گذری پیش می آید که برای همیشه باقی نمی ماند.» (مهودی کنی، ۱۳۷۶، ۴۶۹) از این رو، پیشوایان دین به استفاده از فرصت ها در کارهای خوب و تعجیل در آنها سفارش کرده اند. تعجیل در امور پسندیده به معنی به تعویق نینداختن کار نیک از وقت مناسب آن و از دست ندادن فرصت است؛ نه به معنای خواستن چیزی در غیر موقع مناسب آن و بدون تفکر و تأمل که مصداق عجله مذموم است. نمونه هایی از عمده ترین عجله های پسندیده که قرآن کریم به آن اشاره داشته است، از این قرار است: عجله در خیرات (آل عمران/۱۳۳ و ۱۱۴)؛ عجله در انفاق و بخشش (منافقون/۱۰)؛ شتاب برای ادای نماز (نور/۳۷- ماعون/۴ و ۵)؛ عجله برای نماز جمعه (جمعه/۹)؛ عجله در هدایت مردم (یس/۲۰)؛ عجله در توبه (نساء/۱۷)؛ عجله به سوی جهاد (توبه/۳۹)؛ عجله در علم و هدایت (عبس/۷)؛ عجله در مناجات و ملاقات با خدا (طه/۸۳ تا ۸۴)؛ عجله در مناسک حج (بقره/۲۰۳) و ...



۴. عوامل و زمینه های عجله

عشق و علاقه بیش از حد به یک موضوع، سطحی نگری و سیطره هوا و هوس بر انسان، هر کدام به نوبه خود می‌تواند از عوامل عجله و شتابزدگی در کارها به شمار آید. نمونه‌هایی از عوامل و زمینه‌های عجله ناپسند که قرآن کریم به آن اشاره داشته است، عبارت‌اند از: سرشت و طبیعت انسان (انبیاء/۳۷)؛ حسد (ص/۷۶-۷۱)؛ وابستگی به دنیا (حرص) (انسان/۲۷)؛ قلم/۲۱ تا ۳۳)؛ ضعف ایمان (شوری/۱۸)؛ مرض قلب (مائده/۵۲)؛ کم ظرفیتی و نداشتن سعه صدر (هود/۸)؛ جهل و نادانی (ذاریات/۱۱-۱۳)؛ انبیاء/۳۸-۳۹)؛ ترس از نسیان و فراموشی (قیامت/۱۷-۱۶)؛ هوای نفس (روم/۲۹)؛ محدودیت علمی از جمله: قضاوت فرشتگان نسبت به جانیشینی در زمین (بقره/۳۳-۳۰)؛ قضاوت حضرت موسی (ع) نسبت به خضر(ع) (کهف/۶۹-۶۶)؛ قضاوت حضرت داود(ع) نسبت به دو برادر (ص/۲۱-۲۴)؛ شوق بیش از حد (طه/۱۱۴)؛ عدم تربیت صحیح (حجرات/۵-۴)...

در حقیقت، ناپسند بودن و زیانبار بودن شتابزدگی، از یک نگاه کلان و کلی درست است، ولی از این نکته نیز نباید غافل شویم که بین سرعت و شتاب در کار خیر و بین شتابکاری و شتابزدگی در انجام کارها فرق است. «عجله مذموم آن است که به هنگام بررسی و مطالعه در جوانب کار، شناخت صورت گیرد و عجله ممدوح آن است که بعد از تصمیم‌گیری لازم در اجرا درنگ نشود. در اینجا می‌توان به نمونه‌هایی از این عوامل و زمینه‌های عجله پسندیده اشاره نمود: توجه فرد به قدرت گسترده خداوند (بقره/۱۴۸)، ایمان به خدا (مؤمنون/۵۸ و ۶۱)، توجه به معاد و آگاهی از اعمال در قیامت و پاداش و جزای آن (مائده/۴۸ و بقره/۱۴۸)، پرهیز و دوری از شرک و هرگونه تأثیرگذاری غیر خدا بر هستی، (مؤمنون/۵۹ و ۶۱)، خشوع در برابر خدا (انبیاء/۹۰)، خوف از خدا و قیامت (مؤمنون/۵۷ و ۶۱)، خوف از معاد و آثار آن (مؤمنون/۶۰ و ۶۱)، جلب رضایت خداوند (طه/۸۳ تا ۸۴)، حب در تقرب یا حب در رسیدن به آرامش و ثواب و پاداش اخروی (آل عمران/۱۳۳)، نجات بی‌گناهان (قصص/۲۰) و ...

۵. پیامدهای منفی و زیانبار عجله

عجله مذموم در زندگی موجب ناتمام ماندن فعالیت ها، یأس و ناامیدی، تلخکامی، شکست ها و مصیبت های فراوان، زیان های مادی، سرزنش شدن از سوی دیگران، ندامت و پشیمانی، فزونی خطاها، غم و اندوه، افسردگی، ناکامی، لغزش ها و هلاکت در زندگی می شود که این خصلت های شیطانی در جریان زندگی، به طور قطع، مفسده انگیز و زیان آفرین اند و هر یک از آنها علاوه بر اینکه خود، زشت و نکوهیده اند، پیامدهای ناهنجاری را نیز سبب می شوند که بر زشتی آنها می افزاید. عجله های مذموم باعث خسارات جبران ناپذیر و فراوانی در زندگی انسان ها می شود. برخی از این آثار، مادی و برخی معنوی است و برخی به دنیا و برخی به آخرت ارتباط دارد. برخی از آثار تنها متوجه فرد و برخی علاوه بر گرفتار کردن فرد، دامنگیر اجتماع هم می شود که در این راه سعی می شود برخی از موارد ضروری آثار عجله در مسئولیت های اجتماعی توضیح داده شود:

نمونه هایی از پیامدهای عجله مذموم

الف- ندامت و پشیمانی

هر کاری که بی تأمل و با شتابزدگی از آدمی سریزند، موجب پشیمانی، زیان و خسران بوده و هر چه از روی تأمل و درنگ انجام گیرد، نه تنها پشیمانی به دنبال نیآورده بلکه همواره مورد رضایت خدا واقع می شود (نراقی، مهدی، ج ۲: ۳۳۶؛ نراقی، ملا احمد، ۱۳۷۷: ۲۲۱). خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید؛ مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده اید پشیمان شوید.» (حجرات/۶).

امیر مؤمنان علی (ع) در روایتی می فرماید: «هیچ گاه قبل از رسیدن زمان مناسب برای انجام کاری عجله مکنید؛ چراکه پشیمان می شوید.» (حرانی، ص ۱۱۲). بسیاری از پشیمانی ها در اثر قضاوت هایی است که بدون تحقیق، تفحص و تأمل، به صورت شتاب زده صورت گرفته است (محمملی، ۱۳۸۱، ۲۴۴-۲۴۵). چه بسیار قضاوت های عجولانه ای که منجر به عکس العمل های غلط و ناحق و ندامت ها و حسرت های طولانی شده است. امام علی (ع) در روایتی درباره شتابزدگی و ندامت می فرماید:



«شتابکار را هیچ گاه ستوده کار نخواهی دید.» (خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۵/۴) همانا عرب‌ها عجله را مادر پشیمانی‌ها نام نهاده‌اند. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۸/۴۱۷) امام صادق (ع) در روایتی فرمود: «همراه تأنی و خویشتن‌داری، سلامت است و همراه عجله، ندامت.» (مجلسی، ۱۴۱۱: ۳۳۷/۶۸) به عنوان مثال، اغلب طلاق‌ها در زندگی افراد، در اثر یک عصبانیت یا ناراحتی پیش می‌آید و تا لغزشی رخ می‌دهد بسرعت نتیجه می‌گیرند که باید جدا شویم و زود طلاق می‌دهند؛ غافل از اینکه این عصبانیت‌ها و ناراحتی‌ها چند روزی است و به تدریج فرو می‌نشیند و بعد، پشیمانی رخ می‌دهد اما دیگر راه رجوعی نیست (رک. مطهری، ۱۳۵۸: ۲۷/۴۰۴).

ب- فزونی خطاها و لغزش‌ها

خطا، در تشخیص هدف است و لغزش، در راه وصول به آن. فزونی خطاها می‌تواند با فزونی لغزش‌ها یکی باشد و می‌تواند دو امر جداگانه محسوب شود. هر قضاوت و اظهار نظری به مقداری معین از مدارک نیاز دارد و تا مدارک به قدر کافی جمع‌آوری نشود، هرگونه اظهار نظر و شتابزدگی موجب لغزش اندیشه است. قرآن کریم مکرر به اندک بودن سرمایه علمی بشر و کافی نبودن آن برای انجام برخی قضاوت‌های بزرگ (الإسراء/۸۵) اشاره نموده است؛ به عنوان مثال، در زمینه داوری حضرت داود (ع) می‌فرماید:

«...وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ...؛ و داود دانست که ما او را آزمایش کرده‌ایم؛ پس از پروردگارش آمرزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد.» (ص/۲۴) حضرت داود (ع) از روی عجله قضاوت نمود اما به لطف پروردگار، متوجه لغزش و خطای خود شد و پیش از گذشتن وقت، جبران کرد. با این وجود، کاری از او سرزد که ترک آن شایسته‌تر بود؛ بنابراین، از این «ترک اولی» استغفار کرد و خداوند او را مشمول عفو و بخشش خود قرار داد. (کاشفی، ۱۳۸۹: ۵۴) حضرت امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «کسی که اندیشه کند، مسیر درست را یافته یا نزدیک به آن است. در حالی که شتابکار، خطا کرده یا نزدیک است خطا نماید.» (سیدرضی، حکمت ۳۱، ص ۴۴۹) در جایی دیگر فرمود: «هر کس شتاب کند، لغزش او بسیار خواهد بود.» (آمدی، ۱۳۳۷: ۷۸۳۸) به هر حال، زیان‌ها و لغزش‌های ناشی از عجله، بیش از آن است که مردم عادی می‌پندارند و جریمه‌ای که انسان‌های

عجول به خاطر عجله می پردازند، قابل شمارش نیست. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۴۳۷) با عجله کردن در کارها، در حقیقت، از لذت زندگی کاسته می شود، موفقیت ها به بهای ارزانی تمام می شود و بر میزان خطاها و لغزش ها افزوده می گردد.

ج - تقاضای شر به جای خیر

عجله انسان برای کسب منافع بیشتر و شتابزدگی او در تحصیل خیر و منفعت، سبب می شود تا تمام جوانب مسائل را بررسی نکند و چه بسا به دلیل عجله، قادر به تشخیص خیر واقعی خود نباشد؛ یعنی هوا و هوس های سرکش، چهره حقیقت را در نظرش دگرگون سازد و در نتیجه، به دنبال شر برود. در این حال، همان گونه که از خدا تقاضای نیکی می کند، بر اثر سوء تشخیص خود، بدی ها را از او می خواهد و همان گونه که برای نیکی تلاش می کند، به دنبال شر و بدی می رود و این بلای بزرگی است برای نوع انسان ها و مانع عجیبی در طریق سعادت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۲، ۴۰) انسان نباید در استجاب دعا عجله کند؛ زیرا زمانی که مصلحت اقتضا کند، خداوند متعال دعای او را اجابت خواهد کرد. در قرآن کریم آمده است: «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ...؛ چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می داند و شما نمی دانید.» (بقره/۲۱۶)

از حضرت امیر مؤمنان - علی (ع) - در نهج البلاغه چنین نقل شده است: «تا چیزی را آشکارا ندانید، شتاب موزید؛ چه، بود که ما را در آنچه ناخوش می دارید، رایی دیگر بود.» (سید رضی، ۱۸۰) چه بسا استجاب دعا به صلاح بنده نباشد و خداوند متعال بر این امر آگاه است؛ هر چند بنده از آن بی خبر است. به این جهت، گاهی بنده دعا می کند و بر دعای خود اصرار می ورزد، اما در واقع، به خود نفرین می کند. پس با توجه به مصلحت وی، دعایش مستجاب نمی شود. در حقیقت، این نمونه ای از همان عدم تشخیص خیر و شر است که انسان شتابزده دچار آن می شود و چه بسا در پی عدم اجابت دعایش ناامید می شود. در صورتی که نمی داند عدم اجابت دعا به سود او بوده است (مرکز تحقیقات سپاه ۱۳۷۶: ۲۷/۳ تا ۲۸). همان طوری که خداوند



متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ...» (اسراء/۱۱)؛ پس اگر آدمی اندکی در کارهای خداوند حکیم تأمل کند، می بیند که قضاوت های وی در برابر خداوندی جهت بوده است و چه بسا بعد از گذشت زمان طولانی، به حکمت مستجاب نشدن دعاهايش پی می برد (اکبری، ۱۳۸۷: ۴۹).

د- زوال نعمت

«زوال نعمت» یعنی خیری که انسان، به واسطه آن در رفاه به سر می برد و از آن بهره مند می شد، (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۸۱۵/۱) به وسیله گناهی از بین رفته و فرد خوشی زندگی و خوشحالی و سعادت خود را از دست داده است. خداوند متعال در مورد زوال نعمت صاحبان باغ در قرآن کریم می فرماید: «فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ * بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ؛ و چون [باغ] را دیدند، گفتند: «به طور قطع، ما راه گم کرده ایم» [نه] بلکه ما محرومیم.» (قلم/۲۷-۲۶). عجله در برخی گناهان و ترک عادت های خوب، روزی انسان را تغییر می دهد و یا قطع می کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹)؛ ج ۲۴: ۳۹۴ - ۳۹۵). در حدیثی پیامبر اکرم (ص) فرمود: «از عجله بپرهیزید؛ زیرا هرگاه عجله کنی، نصیب و بهره خود را از دست خواهی داد.» (ورام، ص ۲۵۵).

گاهی عجله و شتاب برای به دست آوردن نعمت سبب می شود که تنها مقدار اندکی از آن نصیب انسان گردد؛ درحالی که اگر شتاب نمی ورزید و مهلت می داد، بیش از مقدار اندکی که می خواست، به او می رسید. در نتیجه، می توان گفت گاهی اوقات، سبب زوال نعمت، عجله بودن خود انسان است و گاهی اوقات نیز پای حکمت و مصلحت خداوندی در میان است. در وصایای حضرت لقمان حکیم به فرزندش آمده است: «همواره ملازم قناعت و راضی به تقسیم خداوند باش. دزد وقتی مرتکب سرقت می شود، خداوند از رزق او می کاهد و گناه دزدی به عهده اش می ماند. اگر صبر می کرد و دزدی نمی نمود، همان مقدار، از راه مشروع به وی می رسید.» (قمی، بی تا: ص ۵۱۸). امیرمؤمنان علی (ع) نیز می فرماید: «هر کس خدا ترس و بردبار باشد، خدا روزی او را از راه حلال به او می رساند و هر کس پرده پوشیدگی را بدرد و شتاب کند و آن را از راه غیر حلال به دست آورد، به اندازه آن، از روزی حلال او بریده می شود و روز قیامت نیز باید حساب آن را پس بدهد.» (حکیمی، ۱۵۵/۴).

ه- تصمیم های نادرست

اگر کسی بدون علم و آگاهی از مضمون خبری در خصوص آن نظر دهد، در دام تصمیم گیری های نادرست گرفتار می شود که پیامدهای آن ناخوشایند است. بنابراین، اگر خواست به خبری ترتیب اثر داده و به آن عمل کند، باید نسبت به مضمون خبر علم حاصل کند تا بتواند درست تصمیم بگیرد و دچار تصمیم های عجولانه و نادرست نگردد (طباطبایی ۱۳۷۴ ج ۱۸: ۶۵)؛ همان طور که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«...فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ؛ ... نیک واری کنی؛ مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد،] از آنچه کرده‌اید، پشیمان شوید.» (حجرات/۶).

در روایتی از حضرت امیرمؤمنان علی (ع) نیز آمده است: «ای بندگان خدا! در هیچ کاری عجله نکنید تا به اندازه کافی درباره آن تحقیق کنید.» (مکارم شیرازی ۱۳۷۹، ج ۶: ۵۰۹).

در مسئولیت های اجتماعی، مدیر آگاه و بصیر باید در تصمیم گیری های کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و به طور کلی، در هر گونه اظهار نظری، کمال احتیاط و تأمل را به کارگیرد و هیچ گاه شتابزده و از روی احساس، دست به کاری نزند که سرانجام آن، اخذ تصمیم های نادرست در مسئولیت های اجتماعی او باشد.

و- حزن و افسردگی

حزن وقتی به انسان دست می دهد که از داشتن چیزی که دوست می دارد، محروم باشد و یا آنچه را که پیش تر داشته، از دست بدهد. "زیگموند فروید" حزن و افسردگی را واکنش پیچیده در قبال از دست دادن چیزی به خاطر عجله توصیف کرده است (ایرون جی، ۱۳۷۱: ۵۸۳). خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به رسولش می فرماید:

«وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ... صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست و بر آنان اندوه مخور.» (النحل/۱۲۷). در روایتی از حضرت امیرمؤمنان علی (ع) آمده است: «عجله پیش از فراهم شدن امکانات و مقدمات کار، موجب حزن و اندوه است. برای اینکه زحمات انسان بر باد می رود و تلاش های او بی اثر می ماند.» (آمدی، ۱۳۳۷: ۱۳۳۳).



ح- افتادن در فتنه

عجله کردن انسان را به آلودگی و افتادن در دام فتنه می کشاند. تاریخ نشان می دهد که جوامع بسیاری به دلیل عجله، گرفتار تضادها و انحرافات فکری شده اند. بسیاری از افراد، با اندیشه ترقی و دستیابی به تمدن و گام برداشتن در مسیر جوامع مترقی و پیشرفته، به تقلید مطلق از غرب پرداخته و با زیر پا گذاشتن تعهد نامه اخلاقی و ایمانی خود و با یک شتاب خارق العاده تلاش نمودند تا خود را از تاریکی ها به نور برسانند؛ غافل از اینکه این عجله، آنها را در سراب وحشتناک بی عفتی و بی احترامی گرفتار ساخته و شرف انسانی و فطرت پاک بشریشان را محو و نابود می سازد. خداوند متعال در قرآن کریم در مورد گوساله پرستی قوم سامری می فرماید: «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا...»؛ و چون موسی، خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت، گفت: پس از من چه بد جانشینی برای من بودید! آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید؟... (الأعراف/۱۵۰).

مفسرین جمله «أَعْجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ» را این چنین معنا کرده اند: «چرا شتاب کردید در پرستش گوساله و صبر نکردید تا از ناحیه پروردگارتان امر صادر شود؟» (فخررازی ۱۴۲۰ق ج ۱۵: ۳۷۱). بعضی دیگر در معنای آن گفته اند: «باعث این گمراهی و گوساله پرست شدنتان این بود که شما در باره وعده ثوابی که خداوند در مقابل پرستش داده بود، عجله کردید و چون وعده خداوند به آن زودی که شما انتظار داشتید، نرسید، از عبادت او به عبادت گوساله عدول کردید؛ چرا عجله کردید؟» (طبرسی ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۶۲) و نیز: «شما درباره آن امری که خداوند به شما وعده داده بود که منتظر برگشتن موسی (ع) باشید و در غیابش عهد او را حفظ کنید، عجله کردید و پیش خود گفتید مدتی را که موسی مقرر کرده بود، به پایان رسید و بازنگشت، پس دیگر باز نمی گردد. آنگاه عهد وی را شکسته و آن را تغییر دادید.» (فخررازی ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۳۷۱؛ جوادی آملی ۱۳۸۸، ج ۴: ۳۸۵).

حضرت علی (ع) می فرماید: «به خدا قسم اگر بیم این نبود که عجله کنید و حق به تأخیر افتد، به شما خبر می دادم که در جوانان عرب و غیر عرب چه رخ خواهد داد.» (سلیم بن قیس هلالی، ۳۷۸).

ط - محرومیت از برکت علم

انتقادهای بی مورد از مباحث علمی ای که به طور قطع، استاد در آینده آن را توضیح داده و ابهامات آن را برطرف می سازد و شتاب در دانستن مسائل و بی اعتمادی به استاد، باعث منحرف شدن از نکات علمی ای خواهد شد که استاد تصمیم دارد برای شاگردان مطرح کند همان طور که حضرت موسی(ع) به علت ندانستن باطن کارها در برابر خضر(ع) عجله کرد و از همراهی با او و دانستن بسیاری از علوم محروم شد: «قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ ...»؛ حضرت خضر(ع) گفت: این [بار، دیگر وقت] جدایی میان من و توست. به زودی تو را از تأویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی، آگاه خواهم ساخت (کهف/۷۸).

ابن عباس از قول پیامبر اسلام(ص) نقل می کند که فرمود: «رحمت خدا بر ما و بر موسی باد. اگر موسی در مقابل کارهای شگفت انگیز خضر صبر می کرد، خدا از خبرش برای ما شرح می داد.» (تفسیر آسان، ج ۱۰، ص ۳۷۹). همچنین، روایت شده است که آن حضرت(ص) فرمود: «ما دوست داشتیم که موسی صبر می کرد تا داستان و خبر آن دو به ما می رسید.» (گنابادی، ۸/ ۴۵۰). وقتی که حضرت موسی(ع) خواست از حضرت خضر(ع) جدا شود، خضر به او گفت: «اگر صبر پیشه می کردی هزار مورد شگفت تر از آنچه دیدی به تو نشان می دادم؛ حضرت موسی بگریست.» (جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۳/ ۵۳۹)

۶ - پیامدهای مثبت و پسندیده عجله

عجله در زندگی انسان ها همیشه منفی و نکوهیده نیست بلکه در پاره ای از موارد، به نوبه خود مفید بوده و باعث پیشبرد اهداف و مقاصد می شود؛ به عنوان مثال، اگر انسان از خصلت عجول بودن بهره مند نبود، در انجام بسیاری از کارهای روزمره با مشکل مواجه شده و عقب می ماند. پس مثبت یا منفی بودن عجله در انجام کارها بسته به نوع کارها و تصمیمات است.



نمونه هایی از پیامدهای پسندیده و مثبت عجله

الف- پاداش های دنیوی و اخروی

در آخرت، برخی از اعمال خیر، چنان در نزد خدا محبوب است که اگر شخصی به آن مبادرت کند، مغفرت جاودانه خدا نصیب وی می گردد. همان گونه که برخی از شرور هم باعث می شوند که انسان از امکان آموزش توسط خداوند متعال محروم گردد. بر این اساس، باید در انجام هر کار خیری تعجیل روا داشت که ممکن است همان عمل، محبوب الهی باشد و نیز از هر کار شری دوری کرد که ممکن است همان رفتار، مغضوب الهی باشد (نصر اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

خداوند متعال برای رسیدن به مغفرت و بهشت در آخرت می فرماید: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ...»؛ و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید. (آل عمران، ۱۳۳). در توجیه این آیه، روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «اگر اراده کار خیری نمودی آن را به تأخیر نینداز؛ زیرا خداوند گاهی بر بنده خود مشرف می شود، در حالی که او مشغول طاعتی است، پس می فرماید: به عزت و جلالم که تو را پس این هرگز عذاب نکنم و چون اراده گناهی کردی، انجام مده؛ زیرا گاه خداوند بر بنده خود مشرف می شود، در حالی که او معصیتی انجام می دهد، پس می فرماید: به عزت و جلالم که تو را بعد از آن دیگر نخواهم آمرزید.» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۳: صص ۲۱۲-۲۱۳؛ مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۶۸: ۲۲۴). در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «تأنی و آهستگی در هر چیزی نیکوست جز در کارهای آخرت» (پاینده ۱۳۶۰: ۲۴۳). در میدان آزمایش، تنها آن دسته سرافراز و پیروز هستند که در انجام خیرات شتاب داشته و از دیگران سبقت گرفته باشند (اخلاق پیامبران در قرآن، ص ۱۹۰).

ب- نجات بی گناهان

جای جای تاریخ پر از داستان افراد نیکوکاری است که در برخورد با رسولان پروردگار، به حقانیت دعوت آنها و عمق تعلیماتشان پی بردند. اینان مؤمنانی ثابت قدم، مصمم و سرشار

از حرارت ایمان بودند که هرچند عده شان اندک بود، اما همواره برای نجات بی گناهان تلاش می کردند. همان طور که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

« وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى...؛ در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر [مرکز فرعونیان] آمد و گفت: «ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشستند؛ فوراً از شهر خارج شو که من از خیرخواهان توام.» (قصص/۲۰).

در این داستان، مردی که به گفته مفسران، "مؤمن آل فرعون" نامیده شده است، از دورترین نقطه شهر مصر که اقامتگاه فرعون بود، با شتاب و عجله به نزد حضرت موسی (ع) آمد و گفت: یا موسی! درباریان و اطرافیان فرعون توطئه قتل تو را چیده اند؛ پس بر تو لازم است که هر چه زودتر از این شهر خارج شوی تا نجات یابی (تفسیر آسان، ج ۱۵، ص ۱۵۰). حضرت موسی (ع) پس از اطلاع از توطئه قتل خود، از شهر خارج شده و جان خود را نجات داد. در روایتی، امام باقر (ع) فرمود: «هر کس که یک انسان را از هر سبب کشنده ای نجات دهد، مانند این است که همه مردم را احیا کرده است (یعنی خدا مزد احیای همه مردم را به او می دهد)» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۴: ۱۷۰، ج ۱: ۲۰۹).

ج - عدم انحراف فرزندان

یکی از مهم ترین راه های مبارزه با فحشا، عجله در ازدواج آسان است؛ زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرایز وارد شد. همان طوری که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ...؛ بی همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگ دست هستید، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست.» (نور/۳۲).

خداوند در این آیه، به ازدواج امر کرده است و برای اینکه افراد از کارهای ناشایست محفوظ بمانند، به تعجیل در امر ازدواج فرزندان توصیه نموده است که یکی از سنت های پیامبر (ص) بوده است (حقیقی، ۱۳۸۳: ۲۰۶). همان طور که اگر میوه رسیده به موقع چیده نشود، فاسد می شود و اگر گل ها پس از شکوفا شدن غنچه ها مورد بهره برداری قرار نگیرند، پریز می گردند و اگر گندم به موقع درو نشود، از سنبل می ریزد و می پوسد و نابود می شود،



فرزندانی که به سن بلوغ رسیده اند نیز اگر به هنگام طراوت و شادابی و به موقع به خانه بخت فرستاده نشوند، دچار فساد می شوند.

امام رضا(ع) در روایتی فرمود: «جبرئیل نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت تو را سلام می رساند و می فرماید: دوشیزگان مانند میوه درخت هستند؛ میوه چون برسد، برای آن دارویی جز چیدن نباشد و گرنه آفتاب آن را فاسد و باد، آن را خراب می کند. دوشیزگان نیز هرگاه به مرحله رشد برسند، آنان را دارویی جز شوهر دادن نباشد و گرنه از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود. پس رسول خدا(ص) بر منبر رفت و مردم را جمع کرد و فرمان خداوند عز و جل را به آگاهی آنان رساند.» (محمدری شهری ۱۳۸۱، ج ۵: ۲۲۵۵؛ ر.ک: مسائل ازدواج و حقوق خانواده غرب و ماتریالیسم اخلاقی، ص ۱۳۷).

د- جلب رضایت خداوند متعال

نگرش انسان به هستی و اینکه خداوند مالک زمین و زمان است و هر چیزی که به انسان می رسد، از آن اوست و تنها راه رسیدن به بهشت رضوان، جلب محبت و رضایت خداوند، با انجام کارهای خیر و شتاب و سبقت در آن است، موجب می شود که شخص در کارهای خیر شتاب و در انجام آنها از دیگران سبقت بگیرد.

حضرت موسی(ع) برای آنکه بتواند رضایت و خشنودی خداوند را به دست بیاورد، در مناجات و ملاقات خداوند به کوه طور عجله کرد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى...؛ ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟! عرض کرد: پروردگارا! آنان در پی من اند و من به سوی تو شتاب کردم تا از من خشنود شوی.» (طه/۸۳ تا ۸۴). عجله کردن حضرت موسی(ع) به سبب فخر و سرافرازی و به خود نازیدن نبود، بلکه وی برای کسب خشنودی و رضای الهی و توجه به وفای به عهد و شوق برای مناجات خداوند متعال عجله کرد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ هـ ج ۵: ۲۷۲؛ اندلسی ۱۴۲۰، ج ۷: ۳۶۶؛ حقی موسوی، ج ۵: ۴۱۳). در روایتی حضرت اباعبدالله الحسین(ع) فرمود: «به سوی خشنودی خدا بشتابید و نصیب و بهره خویش را از ثواب

و پاداش الهی با مهر و عشق و ارادت خالصانه، افزون سازید؛ چراکه خدا بسیار بخشایشگر و ارزانی دارنده نعمت‌هاست» (ر.ک: در سوگ امیر آزادی (ترجمه مشیر الأحران) ۶۸/۷۰).

هـ- خوف از خداوند متعال

عجله در خیرات و نیکی‌ها و سعادت واقعی برای گروه مؤمنانی است که دارای ویژگی‌های اعتقادی و اخلاقی هستند و دل‌هایشان بیمناک است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۶۵). منظور از خوف از خداوند متعال، ترس از نامقبولی عبادت است؛ یعنی نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و صدقه می‌دهند و به دنبال آن، می‌ترسند که اعمال خیرشان قبول نشود (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۷هـ.ج ۱: ۳۹؛ حسنی تجومی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

خداوند متعال در قرآن کریم درباره شتاب در خیرات توسط مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، در حالی که می‌ترسند که اعمال خیرشان قبول نشود، می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ ...» و کسانی که آنچه را دارند [در راه خدا] می‌دهند، در حالی که دل‌هایشان ترسان است [و می‌دانند] که به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت. آنان هستند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آنان اند که در انجام آن سبقت می‌جویند. «مؤمنون/ ۶۱ - ۶۰».

در تفسیر آمده است: در این آیه، مراد از «اینها ما آتوا» این است که مؤمنان تمامی اعمال صالح را انجام می‌دهند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷: ۶۰). خوف و ترس از جهت شک در قبولی اعمال ندارند، بلکه می‌ترسند در محبت و فرمانبرداری از اهل بیت (ع) کوتاهی کرده باشند (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۴۴۳). به واسطه خوبی‌ها پیش قدم هستند و به سوی بهشت می‌روند؛ زیرا لام «لها» به معنی «الی» است؛ یعنی به سوی خیرات و خوبی‌ها پیشقدم و جلو هستند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۹۲)

مؤمنان در دنیا به سوی خیرات و نیکی‌ها می‌شتابند و از عاقبت و پایان کار می‌ترسند که مبادا در آخرت که جای بازگشت به سوی ثواب و پاداش خدای متعال است، آنچه داده و می‌دهند، مقبول و پذیرفته در گاه او نگردد. ایشان به سبب آن خیرات به سوی بهشت، پیشی گیرند.

امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «مؤمنان آنچه را داشتند [در راه خدا] می‌دهند، در حالی که می‌ترسند که اعمال خیرشان قبول نشود.» (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۶۶: ۲۵۸) حضرت علی (ع)



نیز فرمود: « رسول خدا(ص) برای ما خطابه‌ای ایراد کرد و فرمود: ای مردم! عجله کنید! عجله کنید! سرعت بگیرید! سرعت بگیرید! که سعادت و شقاوت بر نمی‌گردند.» (راوندی، ۲۱۷)

۷. راه‌های درمان عجله منفی

خداوند متعال در قرآن کریم و معصومان(ع) در روایات راهکارهایی، برای مقابله با شتابزدگی مذموم بیان فرموده‌اند که اگر این اصول و قاعده‌ها رعایت شود، تعجیل در امور، هرگز فرد را دچار مشکل نخواهد ساخت. برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند: صبر و سعه صدر داشتن و بردباری در حین خشم(احقاف/۳۵)؛ مشورت (شوری/۳۸)؛ توکل به خدا (طلاق / ۳)؛ تفکر قبل از سخن و عمل(یوسف/۴۲)؛ عبرت گرفتن از تاریخ گذشتگان (قلم ۴۸/ نمل ۴۶؛ رعد ۶)؛ اعتدال(لقمان/۱۹)؛ ایمان به خدا و معاد(معارج/۱۹ تا ۲۵؛ سجده/ ۲۸ و ۳۰؛ رعد/ ۲۸) کسب علم و آگاهی(انفال/۶۵)؛ دوراندیشی و تأنی(آهستگی)؛ مدیریت وقت و برنامه ریزی، واپایش احساسات؛ داشتن همت بلند و...

نتیجه‌گیری

عجله در اصطلاح، نوعی شتاب بخشیدن به کارها و تلاش‌ها است که شخص آن را انجام می‌دهد تا در زمان کوتاه‌تری به نتایج و آثار بیشتری دست یابد. شتاب زدگی در غالب موارد، به عنوان یک اخلاق زشت و ناپسند معرفی می‌شود که در اعمال انسان به صورت‌های گوناگونی آشکار می‌شود؛ به این معنا که انسان، پیش از فراهم شدن مقدمات انجام کار، به انجام آن اقدام کند. عجله و شتاب، به خودی خود مذموم نیست، بلکه از این نظر که سبب می‌شود انسان مجال اندیشه نیابد و نتواند معرفت لازم را کسب کند، مورد نکوهش واقع شده است. با توجه به اینکه عجله به دو قسم "ممدوح" و "مذموم" تقسیم می‌شود، آثار آن هم در زندگی متفاوت است؛ به این معنا که اگر عجله در کارهای شر باشد، آثار زیانبار دارد و اگر در کارهای خیر باشد، سودمند است. عجله‌های مذموم باعث بروز خسارات جبران‌ناپذیر و فراوانی در زندگی افراد می‌شود. برخی از این آثار، مادی و برخی معنوی است، برخی مرتبط به دنیا و برخی مرتبط به



آخرت است و برخی از آثار تنها متوجه فرد است و برخی علاوه بر گرفتار کردن فرد، دامنگیر اجتماع هم می شود. برخی از پیامدهای عجله مذموم عبارت اند از: محرومیت از برکت علم، ندامت و پشیمانی، فزونی خطاها و لغزش ها، افتادن در فتنه، زوال نعمت، طلب ناخواسته امور شر به جای خیر، تصمیم های نادرست، حزن و افسردگی. از پیامدهای عجله پسندیده در مسئولیت های اجتماعی می توان به نجات بی گناهان، کسب بهشت و مغفرت خداوند، جلب رضایت پروردگار، پیشگیری از ایجاد انحراف در فرزندان، خوف از خداوند اشاره کرد. خداوند متعال در قرآن کریم و و معصومان(ع) در روایات، راه های درمان عجله مذموم را صبر، مشورت، توکل به خدا، تفکر قبل از سخن و عمل، عبرت گرفتن از تاریخ گذشتگان، اعتدال و ایمان به خدا و معاد ذکر کرده اند.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، انتشارات دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مترجم: دشتی، محمد، مشهد، انتشارات امامت، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ (۱۳۸۲) تحف العقول؛ ترجمه جنتی؛ چاپ اول؛ تهران: مؤسسه امیر کبیر.
 ۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)؛ تفسیر القرآن العظیم؛ منشورات محمد علی بیضون؛ چاپ اول؛ بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه.
 ۳. ابو الفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق) روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد: انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۴. اکبری، محمود (۱۳۸۷)؛ عجله و شتابزدگی چرا؛ قم: انتشارات بوستان کتاب.
 ۵. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)؛ البحر المحیط فی التفسیر؛ بیروت: انتشارات دار الفکر.
 ۶. سلیم بن قیس هلالی (۱۴۱۶ق)؛ اسرار آل محمد و اهل بیت پناه در فتنه؛ ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی؛ ج ۱، چاپ اول؛ قم: نشر الهادی.
 ۷. ایرون جی، ساراسون، باربارا آر، ساراسون (۱۳۷۱)؛ روانشناسی مرضی؛ مترجم: بهمن نجاریان، محمد علی اصغری مقدم، محسن دهقانی، چاپ اول؛ تهران: انتشارات رشد.
 ۸. آمدی، عبدالواحد (۱۳۳۷)؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ مترجم: محمد علی انصاری قمی؛ تهران: انتشارات نوین؛ انتشارات دفتر تبلیغات الاسلامی.
 ۹. برجی، یعقوب علی (۱۳۸۶)؛ اخلاق پیامبران در قرآن؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات نشر بین الملل.
 ۱۰. بروجردی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶)؛ تفسیر جامع؛ چاپ ششم؛ تهران: انتشارات صدر.
 ۱۱. پایبنده، ابوالقاسم (۱۳۶۰)؛ ترجمه نهج الفصاحه؛ چاپ سیزدهم؛ تهران: انتشارات جاودان.
 ۱۲. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)؛ جواهر الحسان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول؛



بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)؛ تسنیم تفسیر قرآن کریم، چاپ اول؛ قم: انتشارات مرکز نشر اسراء.

۱۴. حسنی تجومی، مرتضی (۱۳۸۸)؛ نسیم ایمان؛ چاپ اول؛ قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.

۱۵. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)؛ تفسیر روح البیان؛ بیروت: انتشارات دارالفکر.

۱۶. حقیقی، محمود (۱۳۸۳)؛ آداب سلوک قرآنی تحلی، چاپ چهارم؛ شیراز: انتشارات فلاح.

۱۷. خوانساری، محمد (۱۳۶۶)؛ شرح غررالحکم و درر الکلم؛ چاپ چهارم؛ تهران.

۱۸. محمدی، محمدحسین (۱۳۸۹)؛ هزار و یک حکایات اخلاقی؛ چاپ سوم؛ تهران: انتشارات نیلوفرانه.

۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ چاپ اول؛ دمشق - بیروت: دارالعلم، الدار الشامیه.

۲۰. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ چاپ سوم؛ بیروت: انتشارات دارالکتاب العربی.

۲۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)؛ تفسیر المیزان؛ مترجم: محمد باقر موسوی همدانی؛ چاپ پنجم؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ مترجمان؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات فراهانی.

۲۳. عطائی، محمد رضا (۱۳۶۹)؛ مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام؛ چاپ اول؛ مشهد: انتشارات آستان قدس.

۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)؛ مفاتیح الغیب؛ چاپ سوم؛ بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.

۲۵. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸)؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ ج ۸، چاپ اول؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.



۲۶. قمی، عباس؛ (بی تا) سفینه البحار؛ تهران: انتشارات کتاب فروشی سنائی.
۲۷. کاشفی، محمد رضا (۱۳۸۹)؛ راهنما شناسی؛ تهران: انتشارات دفتر نشر معارف.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۴ق)؛ اصول کافی؛ مترجم جواد مصطفوی؛ تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۱ق)؛ بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار(ع)؛ چاپ سوم؛ ناشر: طور.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۱)؛ میزان الحکمه؛ چاپ دوم؛ تهران: انتشارات دارالحدیث.
۳۱. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقه در سپاه پاسداران؛ (۱۳۷۶)؛ معارف قرآن؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۳۲. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸)؛ اخلاق در قرآن؛ چاپ اول؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)؛ آشنایی با قرآن، چاپ اول؛ قم: انتشارات صدر.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۹)؛ اخلاق در قرآن؛ ج ۲؛ چاپ دوم؛ قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع).
۳۵. ————— (۱۳۷۵)؛ پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه؛ قم: ناشر دار الكتاب الاسلامی.
۳۶. ————— (۱۳۷۰)؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۳؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مهدوی کنی، محمد رضا (۱۳۷۶)؛ نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی؛ چاپ هفتم؛ نشر فرهنگ اسلامی.
۳۸. نراقی، احمد (۱۳۷۷)؛ معراج السعاده؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات هجرت؛ قائم آل محمد.
۳۹. نراقی، مهدی (۱۳۷۷)؛ علم اخلاق اسلامی (جامع السعادات)؛ مترجم: جلال الدین مجتبیوی؛ چاپ سوم؛ تهران: انتشارات حکمت.
۴۰. نصر اصفهانی، محمد (۱۳۷۸)؛ اخلاق دینی در اندیشه شیعی؛ چاپ اول؛ قم: انتشارات نهانندی.